



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

<https://doi.org/10.22067/pg.2021.72304.1087>

مقاله پژوهشی

الگوی پایدار سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای جنوب غرب آسیا بر اساس مولفه دیپلماسی عمومی بر مبنای قدرت ملی

محمدرضا مفتاح (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گرایش مطالعات جنوب غرب آسیا، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران)

mofatfeh@hotmail.com

عبدالرضا فرجی راد (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول)

a.farajirad@yahoo.com

ریباز قربانی نژاد (استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران)

rebazghorbani@gmail.com

اعظم یوسفی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران)

ayousefi_geo@yahoo.com

صص ۱۴۳-۱۲۱

چکیده

دیپلماسی مهم‌ترین وجهه و عینی‌ترین شکل سیاست خارجی یک کشور می‌باشد. این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی و از حیث روش تحقیق، توصیفی، تحلیلی و اکتشافی می‌باشد. جهت پیاده‌سازی سطح‌بندی قدرت ملی در کشورهای هدف (در محیط سیستم اطلاعات جغرافیایی) از نرم‌افزار ARC GIS و جهت وزن دهی به زیر مولفه‌های دیپلماسی عمومی به منظور سطح‌بندی، از مدل AHP استفاده گردیده است. به منظور واکاوی فضایی الگوی پراکنش شاخص‌های قدرت ملی، از آزمون موران و نیز جهت ارائه الگوی فضایی پایدار از روش متاسوات و برای تحلیل فضایی و سطح‌بندی کشورهای جنوب غرب آسیا بر اساس مولفه دیپلماسی عمومی از ۳۶ زیر مولفه (شاخص) استفاده گردیده است. تحلیل‌ها گویای این واقعیت است که کشورهای سوریه، ارمنستان در افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشور نقش بسزایی را بازی نموده و دارای جایگاه اهمیت خیلی زیاد می‌باشند، همچنین کشورهای عراق و گرجستان در جایگاه اهمیت زیاد، کشورهای ترکیه، آذربایجان و قطر در جایگاه اهمیت متوسط، امارات، کویت، اردن و قبرس در جایگاه اهمیت کم و نهایتاً عربستان، عمان و بحرین در جایگاه خیلی کم قرار دارند. با توجه تحلیل‌های صورت پذیرفته، نتایج

گویای این واقعیت است که مولفه دیپلماسی عمومی از الگوی خوشه‌ای پیروی نموده و شاید بتوان از جمله دلایل ژئوپلیتیکی این توزیع خوشه‌ای، رفتار سیاسی مشابه کشورهای حوزه خلیج فارس در رابطه با ایران دانست و به نظر می‌رسد که با تقویت این محور (دیپلماسی عمومی) می‌توان کشورهای لبنان، آذربایجان، عراق، ترکیه و قطر را نیز به زمره کشورهای بااهمیت خیلی زیاد افزوده و با تشکیل خوشه‌ای بسیار قوی متشکل از کشورهای مذکور، به نقش‌آفرینی قدرت سیاسی کشور در منطقه همت گمارد. همچنین بر اساس تحقیقات انجام‌شده، اعمال تحریم‌های اقتصادی، در رتبه نخست بزرگ‌ترین چالش‌ها و موانع اعمال سیاست‌های منطقه‌ای ج.ا.ایران شناسایی گردیده و قرارگیری در محیط امنیتی جنوب غرب آسیا و تحریم‌های نظام پولی و بانکی ایران در جایگاه‌های بعدی قرار داشته و به‌عنوان بزرگ‌ترین موانع محیطی و اقتصادی و قانونی قلمداد می‌گردند که با توجه به سائز حباب‌ها و میزان تأثیرگذاری هریک نیازمند توجه می‌باشند.

واژگان کلیدی: الگوی پایدار، سیاست منطقه‌ای، قدرت ملی، جنوب غرب آسیا، ایران

۱. مقدمه

در ساختار متحول و در حال تحول کنونی، عبور از روش‌های مبتنی بر دیپلماسی سنتی و توسل به روش‌های نوین دیپلماسی با استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که همه بازیگران دولتی صحنه بین‌الملل جهت تأمین اهداف و منافع ملی خود ناگزیر از توسل به آن می‌باشند.

تغییر صحنه و ابزار گفتگو و دسترسی مستقیم دولت‌ها به مخاطبین اصلی خود در جهان، فرصت ایجاد فضای گفت‌وگو بین‌المللی را ایجاد نموده که مخاطبین آن از نمایندگان رسمی دولت‌ها (در روش‌های دیپلماسی سنتی) به بازیگران غیردولتی و نیز افکار عمومی جوامع گسترش یافته است. به نظر می‌رسد که در تعامل با جهان متحول شده کنونی، تداوم بهره‌گیری از روش‌های سنتی مبتنی بر دیپلماسی ایستا، کارآمدی لازم را نداشته و بهره‌گیری از دیپلماسی متحولی را می‌طلبد. (Muir, 2019: 56).

امروزه در عرصه سیاست بین‌الملل از سویی شاهد ترکیبی از همزیستی دولت‌های پست و ستفالیایی و دولت‌های قرون‌وسطایی هستیم و از سوی دیگر جنبه مهمی از دیپلماسی، دولت‌زدایی از آن است. دیپلماسی مؤثر در چنین فضا و اتمسفری نیازمند انجام تغییرات در نهادها، روش‌ها و ابزارها و کارکردها می‌باشد. همچنین مستلزم همکاری با بازیگران محیط جدید بین‌المللی و ایجاد ساختارهای کارآمد و منعطف می‌باشد (Seyf Zade, 2007: 36).

در شکل نوین دیپلماسی نیز می‌توان سه مدل دیپلماسی بر اساس نوع فعالیت را می‌توان متصور بود که عبارتند از: کنش‌مند، فعال و منفعل که دولت‌ها می‌کوشند تا با توسل به رفتار دیپلماتیک کنش‌مند، با نگاه محوری به منافع ملی خود، دشمن را به مخالف، مخالف را به رقیب، رقیب را به همکار و همکار را به شریک تبدیل نمایند که در راهبردهای سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر لزوم تأمین حداکثری منافع ملی با توجه به قدرت و مقدرات ملی و اولویت‌بندی آن بر اساس درجه ضرورت، فوریت، اهمیت و تخصیص منابع به صورت کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تأکید شده است (Taheri Mousavi, 2008: 90). دیپلماسی به‌عنوان وسیله‌ای جهت تحقق دولت کارآمد، دربرگیرنده ویژگی‌هایی چون شایسته‌سالاری، دیپلماسی مبتنی بر همکاری، دوری از انفعال و انطباق با شرایط می‌باشد (Azami, 2006: 1884). به‌رحال دیپلماسی علیرغم تمامی تغییرات سپهر بین‌الملل، هنوز به‌عنوان مهم‌ترین وجه و عینی‌ترین شکل حیات خارجی یک کشور مورد شناسایی قرار می‌گیرد. در این پژوهش تلاش بر آن است که سطح‌بندی کشورهای جنوب غرب آسیا ابتدا بر اساس شاخص‌های دیپلماسی عمومی انجام پذیرفته و در ادامه با توجه به استفاده از مدل متاسوات الگوی فضایی سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز استخراج و پیشنهاد گردد.

۲. مبانی نظری

دو مفهوم اساسی در نیل به الگوی هدف‌گذاری شده در این پژوهش که نقشی اساسی در تنظیم راهکارهای تحقق آن بر عهده دارد، مفاهیم قدرت به اختصاص قدرت ملی به‌عنوان سرمایه و مبنای اصلی تحرک بین‌المللی کشورها و دیپلماسی به اختصاص دیپلماسی عمومی و دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان ابزارهای روزآمد دولت‌ها در تأمین اهداف و منافع خود در ساختار نوین صحنه و عرصه بین‌المللی می‌باشد.

۲.۱. مفهوم قدرت

قدرت از جمله مفاهیم محوری و اساسی است که در کانون نظریه‌پردازی‌های علم سیاست و روابط بین‌الملل قرار دارد. به‌رغم تاریخ طولانی اهمیت قدرت در روابط بین‌الملل، هنوز بسیاری از محققین در مورد نقش و طبیعت قدرت اختلاف نظر دارند. به تعبیر صاحب‌نظران، قدرت از جنبه مفهومی از جمله مفاهیم مبهمی بوده که به تعداد افرادی که راجع به آن اندیشه ورزی نموده‌اند، نظریه و دیدگاه وجود دارد. فرانسوا پوریکو تأکید دارد که قدرت در شکل سیاسی‌اش مهیب‌ترین معما را مطرح می‌کند و دارای ماهیت تناقض‌نما گونه می‌باشد. مفهوم قدرت از منظر محققین روابط بین‌الملل به گونه‌های متفاوتی تقسیم‌بندی شده است. ریموند دوال و میشاییل بارت در کتاب «قدرت در عرصه بین‌الملل» چهار نوع قدرت اجباری، نهادی، ساختاری و مولد را شناسایی کرده‌اند (Heydari & Heydari Bani, 2018: 89).

۲.۱.۱. قدرت ملی

تعریف مؤسسه رند از قدرت ملی عبارت است از ظرفیت و قابلیت یک کشور جهت تعقیب اهداف راهبردی خود از طریق سیاست‌های هدفمند. این نگرش دو بعد مجزا ولی مربوط به هم ظرفیت را نشان می‌دهد:

- ظرفیت خارجی که شامل ظرفیت کشور در تأثیرگذاری بر محیط بین‌الملل از طریق پتانسیل‌های اقتصادی و سیاسی است.

- بعد داخلی که شامل ظرفیت یک کشور در تبدیل منابع جامعه به دانش قابل اجرایی است که بهترین فناوری نظامی و غیرنظامی را تولید می‌کند (Vasegh & Sekke Ravani, 2017: 76).

در بحث مبانی و سرچشمه‌های قدرت ملی از دید مارتین گلاسنر یکی از عوامل قدرت ملی، روابط خارجی است که تجارت بین‌الملل روابط فرهنگی، مشارکت در توزیع و انتقال ذخایر توسعه، مشارکت در سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی و موقعیت و پرستیژ بین‌المللی را در برمی‌گیرد. (Hafeznia, et.al, 2006:69). در بررسی ابعاد قدرت ملی، یکی از این ابعاد، به مثابه ابزاری در کنار ابعاد دیگری چون دامنه، وزن و هزینه عمل می‌کند، و یکی از ابزارهای مختلف برای اعمال قدرت، ابزار دیپلماتیک است که با تغییر محیط بین‌الملل و شکل‌گیری عرصه سیاست اندیشه‌مند در نتیجه توسعه فراتکنولوژی‌ها بر اهمیت دیپلماسی، دستاوردهای همکاری و سیاست اقتناع‌سازی در روابط بین‌الملل نسبت به دیگر ابزارهای قدرت افزوده شده است در بحث اولویت‌ها و غلبه هر کدام از اجزای تشکیل‌دهنده قدرت ملی جامع و فراگیر در عرصه سیاست‌گذاری و در ایستار تصمیم‌گیران، می‌توان این‌گونه بیان داشت که رویکرد قدرت ملی در فضای جهانی شدن از نظامی، سیاسی و اقتصادی به رویکرد اقتصادی، سیاسی و نظامی تغییر یافته و این جابه‌جایی، خود در حوزه‌های سیاست اعلی‌وادی را نشان می‌دهد. قدرت ملی به‌عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی صفت جمعی افراد یک ملت و یا ویژگی کلی یک کشور را منعکس می‌کند که برآیند توانایی‌ها و مقدرات آن ملت یا کشور محسوب می‌گردد. در تعریف قدرت ملی گفته‌اند: مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد. همچنین می‌توان گفت که قدرت ملی عبارت است از: توانایی، قابلیت و ظرفیت یک ملت و یک کشور برای استفاده از آن در جهت تحصیل منافع و اهداف ملی. قدرت ملی ذاتاً میل به بسط و گسترش دارد و ملت‌ها نیز به دنبال افزایش قدرت خود هستند. در واقع قدرت ملی خصلتی پویا دارد. قدرت ملی ابزاری است در دست دولت‌ها و رهبران سیاسی که از آن برای تحصیل هدف‌های ملی خود استفاده می‌نمایند. همچنین قدرت ملی پشتوانه‌ای اصلی برای استراتژی ملی و سیاست خارجی یک دولت می‌باشد. (Pishgahi Fard, et.al, 2014:123).

۲.۲. دیپلماسی

همان‌گونه که اشاره گردید، از ابتدای ظهور دولت‌ها و شکل‌گیری تدریجی هویتی جدید به‌عنوان محیط بین‌الملل که در اثر تعامل بازیگران اصلی و تلاش هر یک در تأمین اهداف و منافع ملی خود، ابزار جدیدی خلق گردید که از آن به

دیپلماسی تعبیر گردیده و دارای تجلی گسترده‌ای از رفتارها دولت‌ها متناسب با ماهیت بازیگر و فضای غالب بر محیط بین‌الملل می‌باشد.

مفهوم دیپلماسی که در شکل سنتی خود ناظر بر روابط دولت‌ها بود، با بروز تحولات فناورانه، به اشکال جدیدی ظهور نمود که گسترش ارتباطات و نیز غالب شدن مولفه‌های توسعه اقتصادی بر مفاهیم سنتی توسعه، دو عرصه جدید دیپلماسی عمومی و دیپلماسی اقتصادی را محوریت بخشید.

۱.۲.۲. دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی را می‌توان مجموعه‌ای از سازوکارها دانست که به واسطه آن، سیاست خارجی یک کشور برای عامه مردم آشکار می‌شود؛ یعنی در این روش، مردم هدف اصلی هستند و باید اطلاعات را به آن‌ها منتقل کرد. دیپلماسی عمومی، معطوف به مخاطبان خارجی است و هسته اصلی دیپلماسی آن، ارتباط هدایت‌شده با افراد خارجی به منظور تأثیر گذاشتن بر افکار آن‌ها و سرانجام بر دولت‌های آنهاست. (Pourhasan, 2011: 141)

به عبارت دیگر دیپلماسی عمومی به عنوان ابزار یا مکانسیم اعمال قدرت نرم در عرصه عمل (Bakhtiari, 2011:147) شامل سلسله تلاش‌های عمومی و رسمی یک دولت برای شکل دهی محیط ارتباطات در خارج است به گونه‌ای که سیاست خارجی قابلیت اجرا یافته و میزان ناآگاهی‌ها و شناخته‌ای نادرست از روابط پیچیده میان کشورها کاهش یابد. (Mohamadi, 2010:37)

به گفته گولین دیپلماسی عمومی ارتباطات معطوف به منافع ملی یک کشور از طریق ارتباط با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی است. با این تعریف، مسائلی از قبیل اعزام دانشجویان به خارج، پذیرش بورس‌های تحصیلی، خبرنگاران اعزامی، فرآیند ارتباط میان فرهنگی، برگزاری انواع جشنواره‌های هنری، همایش‌ها و سمینارهای فرهنگی و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری و حتی ایجاد سایت‌های اینترنتی، همه و همه در حوزه دیپلماسی عمومی قابل بحث می‌باشد. (Ahadi, 2009: 250)

بنابراین، هدف نهایی در دیپلماسی عمومی، اثرگذاری بر اذهان مردم دیگر کشورها از طریق بهره‌مندی از روش‌های ارتباط جمعی و به معنای مدیریت کردن ارتباطات خارجی برای ایجاد تصویر مثبت از کشور است؛ به گونه‌ای که موفقیت‌های خود را در میان دیگر جوامع شایع سازد، شکست‌های احتمالی را کوچک جلوه دهد و تغییرات در حکومت و جامعه را برای دیگران توضیح دهد تا دولت‌ها و ملت‌های دیگر، تمایل مثبتی نسبت به کشور به‌کاربرنده دیپلماسی عمومی در ذهن خود احساس نمایند (Pourahmadi, 2010:163)

به بیان دیگر، اگر دیپلماسی عمومی چه از طریق مبادلات فرهنگی و چه از طرق دیگر بتواند در بین دیگر ملل جهان جذابیت ایجاد کند، می‌تواند در شکل‌گیری قدرت نرم در درون کشور مبدأ بسیار مؤثر باشد. (Nye, 2019: 62) نای بارها

در مصاحبه‌ها، گزارش‌ها و مقالات خود، دیپلماسی عمومی را یکی از مهم‌ترین جنبه‌های قدرت نرم معرفی می‌کند. (Biki, 2010:62)

مقایسه مؤلفه‌های اساسی دیپلماسی عمومی با دیپلماسی سنتی و رسمی بیانگر سه محور اساسی زیر است:

- اولاً؛ دیپلماسی عمومی آشکار و علنی است، درحالی‌که دیپلماسی رسمی و سنتی، پنهان و غیرعلنی است.
- ثانیاً؛ مخاطبان دیپلماسی عمومی، گروه‌های هدف خاص و یا عموم مردم جامعه در دل یک ملت دیگرند، درحالی‌که در دیپلماسی رسمی، مخاطبان دولت‌ها هستند.
- ثالثاً؛ موضوعات دیپلماسی عمومی به رفتار و تمایلات عموم مردم در دیگر کشورها مربوط می‌شود، درحالی‌که دیپلماسی سنتی با رفتار و سیاست‌های دولت‌ها سروکار دارد. (Ashna & Jafari Haft Khawani, 2007: 184)

در دنیای دیپلماتیک کنونی دیپلماسی عمومی یا مردمی را می‌توان تعبیر پایه‌ای انواع دیپلماسی‌هایی دانست که با ورود جهان به عصر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و به تناسب پیشرفت نوآورانه آن، با اصطلاحاتی ترکیبی مطرح گردیده و در تعبیری همچون دیپلماسی شبکه‌ای، تله دیپلماسی، دیپلماسی مجازی، دیپلماسی دیجیتال و... متجلی می‌گردد. وجه تمایز اصلی این نوع از دیپلماسی عمومی از دیپلماسی سنتی، در نوع ارتباط با مردم و استفاده از وسایل تبلیغی است. یعنی مبنای دیپلماسی عمومی از ابتدا بر ارتباط با مردم، تشکل‌های عمومی (شهرداری‌ها و...) و سازمان‌های غیردولتی قرار داشته و فعالیت‌های آن محدود به نظرات و مخاطبین دولتی نیست. (Kadera, 2018: 87)

۲.۲.۲. دیپلماسی اقتصادی

بروز تحولات اقتصادی ناشی از گسترش فن‌آوری‌های صنعتی و تغییر صحنه رقابت کشورها از عرصه رقابت‌های سیاسی و نظامی به رقابت‌های اقتصادی و تلاش در تأمین هرچه بیشتر مولفه‌های قدرت اقتصادی از نیمه‌های بیستم، رفته‌رفته نگاه به قدرت اقتصادی نه تنها به‌عنوان روی دیگر سکه سیاست خارجی بلکه در مورد بعضی کشورها مترادف با محور سیاست خارجی گردید. به تعبیر یکی از فعالان اقتصادی، «امروزه امور سیاسی آغازکننده کار اقتصادی است و همچنین اقتصاد باید پیوندهای سیاسی را استحکام بخشد». به‌ویژه با گسترش فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات، هزینه کنار ماندگی از قافله جهانی به‌شدت افزایش یافته و ارتباط بین سیاست خارجی و توسعه اقتصادی بسیار نزدیک شده و رابطه اقتصادی به‌مثابه مقوم روابط سیاسی عمل می‌نماید. مذاکرات تجاری از اهمیتی معادل مذاکرات خلع سلاح برخوردار گردیده و دیپلماسی تجاری جای دیپلماسی سنتی را گرفته است. هارتریچ در کتاب "فرصت آمریکایی" استدلال می‌کند که «سیاست اقتصادی که به نظر وی به معنای قدرت اقتصادی است و نه سیاست اکولوژیکی، جایگزین ژئوپلیتیک مبتنی بر

قدرت نظامی شده است» (Etaat, 2009:96) جهانی شدن اقتصاد به شکل فزاینده‌ای دیپلماسی اقتصادی را به سازه‌ای مهم در سیاست خارجی تبدیل کرده و جهانی شدن اقتصاد، ترسیم تمایز آشکار بین امور داخلی و امور بین‌المللی را دشوار ساخته است. مسائل اقتصادی جهانی تأثیر بسیاری بر مسائل داخلی داشته و در این فرایند، دیپلماسی اقتصادی، مسائل اقتصادی جهانی را نیز در برمی‌گیرد. جهانی شدن اقتصاد دامنه و گونه-گونی دیپلماسی اقتصادی را نیز بسیار افزایش داده است به طوری که رفته‌رفته شمار کشورهای فعال در دیپلماسی اقتصادی افزایش یافته و هم‌اکنون در سراسر جهان گسترش پیدا کرده‌اند. اگر در دوران جنگ سرد، فقدان درگیری‌های نظامی یک کامیابی انگاشته می‌شد، در آغاز قرن بیست و یکم تعریف متفاوتی از کامیابی وجود دارد. کامیابی در این روزگار به وسیله هم‌کنشی از راه دیپلماسی اقتصادی باهدف بهسازی منافع اقتصادی کشور در فضای جهانی شده و رقابتی سنجیده می‌شود. (Haroon O Rashid, 2006: 139-142)

دیپلماسی اقتصادی در دوران پس از جنگ سرد و گسترش فرایند جهانی شدن مطرح شد و امروزه به‌عنوان یکی از ابزارهای نوین، کارآمد و قدرتمند کنش در فضای بین‌الملل و در برابر دیپلماسی سنتی قرار گرفته است. اساس شکل‌گیری دیپلماسی اقتصادی مبتنی برپوش نوارهای دیپلماسی سنتی برای تحقق اهداف سیاست‌گذاری و تأمین منافع بازیگران دولتی و غیردولتی عرصه بین‌الملل در چارچوب تعاملات فزاینده و چندوجهی اقتصاد جهانی است؛ بنابراین دیپلماسی، ابزاری برای تأمین منافع طراحان و بازیگران دولتی و غیردولتی در عصر جهانی شدن است (Mousavi Shafae & Imani, 2007:80) دیپلماسی اقتصادی به موضوعات سیاست کلان اقتصادی می‌پردازد و به دنبال تأمین اهداف و منافع توسعه‌ای کشور است. مسائلی از قبیل ثبات اقتصادی، امنیت غذایی، تأمین مسکن، مبارزه با فقر، حفظ محیط‌زیست، بهداشت و سلامت جامعه، آموزش، اشتغال‌آفرینی، سرمایه‌گذاری، سیاست‌های صنعتی، قانون رقابت و منطقه‌گرایی از مقوله‌هایی هستند که مورد توجه دیپلماسی اقتصادی است (Fathi & Pakdaman, 2010: 206) در واقع دیپلماسی اقتصادی جدید پاسخی به چالش‌های نوظهور ناشی از جهانی شدن، تصمیم‌گیری داخلی و همکاری‌های فزاینده بین همه بازیگران درگیر است (Bayne & Woolcock, 2010: 94)

از نظر برخی، دیپلماسی اقتصادی به مدیریت روابط اقتصادی بین دولت‌ها و دیگر بازیگران گفته می‌شود که توسط دولت یا عوامل غیر حکومتی هدایت می‌شود (Bryan, 1975:98) کیشان راند دیپلماسی اقتصادی را فرایندی می‌داند که از طریق آن، کشورها خود را به جهان بیرون وصل می‌کنند، تا منافع ملی خودشان را در زمینه فعالیت‌هایی که شامل تجارت، سرمایه‌گذاری و سایر اشکال مبادلات سودآور اقتصادی که از مزیت نسبی در ابعاد دوجانبه، منطقه‌ای و چندجانبه برخوردارند، به حداکثر برسانند (Rana, 2007:68) ، در تعریف اصطلاح دیپلماسی اقتصادی باید گفت به اقدامات رسمی دیپلماتیکی اطلاق می‌شود که بر روی افزایش صادرات، جذب سرمایه خارجی و شرکت در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی تأکید دارند که در واقع فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که تأمین‌کننده منافع اقتصادی کشور در سطح بین‌المللی

است. بنابراین دیپلماسی اقتصادی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزشمند و مناسب برای فهم توان، ضعف‌ها و مقاصد یک دولت توسعه‌یافته یا در حال توسعه است. (Skilas, 2012:288). دیپلماسی اقتصادی منافع اقتصادی یک دولت را در خارج از کشور و در اقتصاد جهانی گسترش می‌دهد.

۳. روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی و از حیث روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و اکتشافی می‌باشد. جامعه آماری مورد نظر کارشناسان خبره وزارت امور خارجه می‌باشند و منطقه هدف جنوب غرب آسیا با ۱۸ کشور خواهد بود. در این تحقیق، بر طبق فرمول کوکران، کارشناسان خبره وزارت امور خارجه و ارگان‌های ذیربط به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب گردیده و جهت پیاده‌سازی سطح‌بندی مولفه دیپلماسی عمومی در کشورهای هدف، در محیط سیستم اطلاعات جغرافیایی از نرم‌افزار ARC GIS و از مدل AHP جهت وزن دهی به شاخص‌های زیرمجموعه آن جهت سطح‌بندی آن نیز مورد استفاده قرار گرفت. به منظور واکاوی فضایی الگوی پراکنش شاخص‌های قدرت ملی از آزمون‌های آمار فضایی از جمله شاخص موران یک متغیره، دو متغیره، آماره عمومی G، تحلیل‌های HOT/COLD SPOT، استفاده شد. همچنین جهت ارائه الگوی فضایی پایدار نیز از روش متاسوات استفاده گردید. همچنین برای تحلیل فضایی و سطح‌بندی کشورهای جنوب غرب آسیا بر اساس مولفه دیپلماسی عمومی از ۳۶ شاخص استفاده گردیده است. (جدول ۱).

جدول ۱. متغیرها، شاخص‌ها و گویه‌های مولفه دیپلماسی عمومی

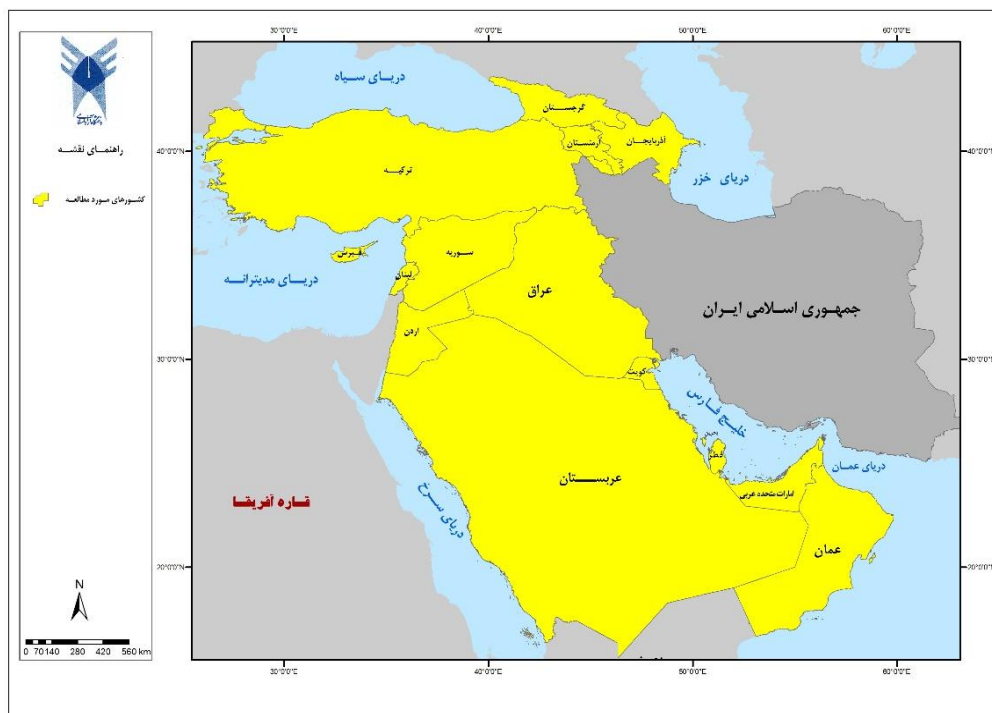
دیپلماسی عمومی
ایرانیان (مقیم، تاجر، دانشجویان، ...)
جمعیت ایرانیان
آمار رسمی جمعیت ایرانیان در آن کشور (نفر)
تعداد ایرانیان مقیم برحسب پرونده کنسولی (نفر)
تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل برحسب پرونده کنسولی (نفر)
تعداد ایرانیان مقیم در آن کشور برحسب برآورد نمایندگی (نفر)
موقعیت و نفوذ در آن کشور و نوع ارتباط با ایران
سیاسی (منفی، تاحدی مثبت، مثبت)
اقتصادی (ندارد، متوسط، دارد)
علمی (ندارد، متوسط، دارد)
اجتماعی_فرهنگی_اداری (ندارد، متوسط، دارد)
چهره ایرانیان مقیم در آن کشور (منفی، نسبتاً منفی، خنثی، نسبتاً مثبت، مثبت)

گرایش اکثریت ایرانیان مقیم نسبت به ج.ا.ایران (مخالف، بی تفاوت، موافق)
نوع ارتباط اکثریت ایرانیان مقیم با ج.ا.ایران :
تجاری_ سرمایه‌گذاری (ندارد، دارد)
علمی_فنی_صنعتی (ندارد، دارد)
فرهنگی_هنری (ندارد، دارد)
سیاسی_رسانه‌ای (ندارد، دارد)
سفر به ایران (درد، ندارد)
تشکل و لابی ایرانیان مقیم
صنعتی (ندارد، دارد)
سیاسی (ندارد، دارد)
موضع‌گیری و اقدام لابی در قبال ج.ا.ایران (منفی، خنثی، مثبت)
سرمایه ایرانیان مقیم (€)
سرمایه ایرانیان مقیم در آن کشور (کمتر از ۱، بین ۱ تا ۱۰۰، بیشتر از ۱۰۰) میلیون یورو
سرمایه ایرانیان مقیم آن کشور در ایران (کمتر از ۱، بین ۱ تا ۱۰، بیشتر از ۱۰) میلیون یورو
غیر ایرانیان (اتباع آن کشور و اتباع کشور ثالث مرتبط با ایران)
موقعیت و نفوذ در آن کشور و نوع ارتباط با ایران
سیاسی (منفی، تاحدی مثبت، مثبت)
اقتصادی (ندارد، متوسط، دارد)
علمی (ندارد، متوسط، دارد)
اجتماعی_فرهنگی_اداری (ندارد، متوسط، دارد)
گرایش افکار عمومی آن کشور نسبت به ج.ا.ایران (مخالف، بی تفاوت، موافق)
نوع ارتباط با ج.ا.ایران
تجاری_ سرمایه‌گذاری (ندارد، دارد)
علمی_فنی_صنعتی (ندارد، دارد)
فرهنگی_هنری (ندارد، دارد)
سیاسی_رسانه‌ای (ندارد، دارد)
سفر به ایران (درد، ندارد)
تعداد رویداد صادره شده از طرف نمایندگی
تشکل و لابی غیر ایرانیان مرتبط با ایران
صنعتی (ندارد، دارد)
سیاسی (ندارد، دارد)
موضع‌گیری و اقدام لابی در قبال ج.ا.ایران (منفی، خنثی، مثبت)
ایران‌شناسی

تعداد ابرانشناسان
تعداد کرسی ایران‌شناسی
(Authors, 2020)

۴. محدوده مورد مطالعه

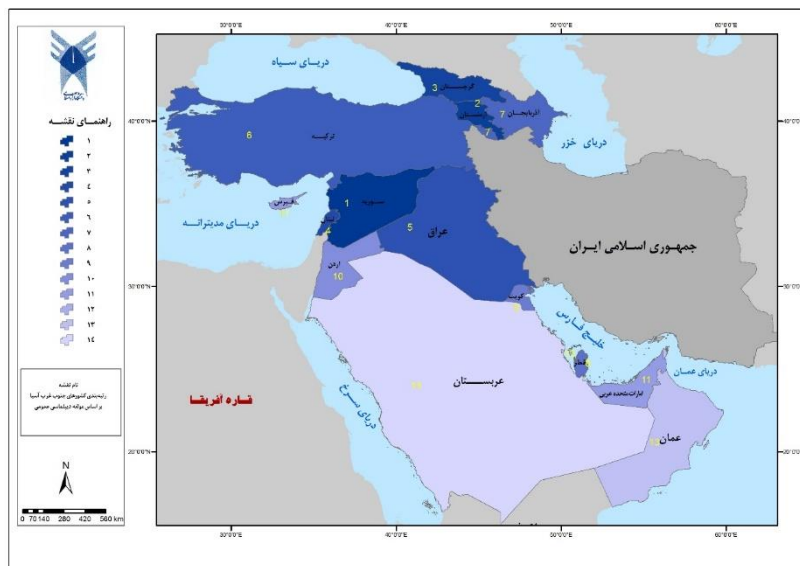
بر اساس کدبندی‌های مبتنی بر ویرایش ۲۰۱۶ سند UN M ۴۹ سازمان ملل متحد و نیز تعریف ارائه‌شده از سوی بخش آماری سازمان ملل متحد (UNSD) حوزه جغرافیایی جنوب غرب آسیا شامل ۱۸ کشور می‌گردد که در این پژوهش کشورهای همسایه و راهبردی شامل کشورهای آذربایجان، ارمنستان، سوریه، اردن، امارات عربی متحده، بحرین، ترکیه، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت و گرجستان، لبنان، قبرس مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. (UN, 2019). شکل ۱.



شکل ۱. کشورهای مورد مطالعه در جنوب غرب آسیا

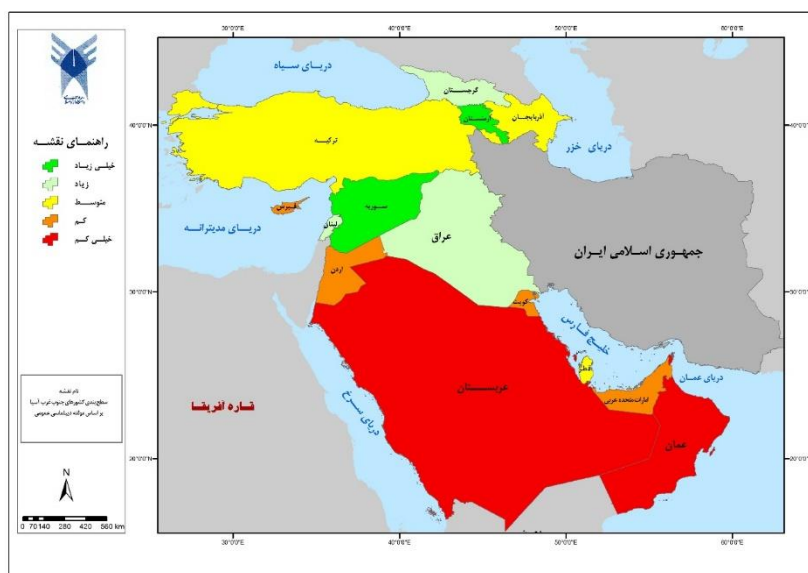
۵. یافته‌های پژوهش

با توجه به بررسی‌های به‌عمل‌آمده و بر اساس تحلیل‌های صورت پذیرفته در رابطه با مولفه دیپلماسی عمومی، تمامی ۳۶ گویه و متغیر در پایگاه داده سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) بارگذاری گردید و نتایج گویای این واقعیت است که کشور سوریه در جایگاه رتبه اول و کشور عربستان در رتبه آخر را در رده‌بندی کشورهای حوزه ژئوپلیتیکی کشور به دست آورده‌اند که در این خصوص شکل شماره ۲ رتبه‌بندی کشورهایی جنوب غرب آسیا در رابطه با مولفه دیپلماسی عمومی را به تصویر می‌کشد.



شکل ۲. رتبه‌بندی کشورهایی جنوب غرب آسیا بر اساس مولفه دیپلماسی عمومی

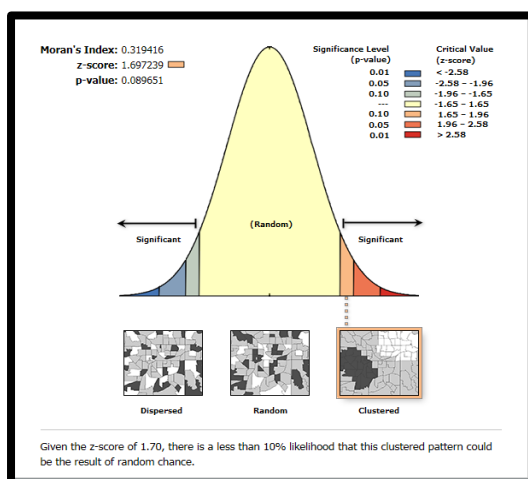
همچنین بر اساس تحلیل‌های صورت پذیرفته نقشه سطح‌بندی گروهی کشورهای جنوب غرب آسیا بر اساس مولفه مذکور بر اساس میانگین‌های وزنی استخراج گردیده که تحلیل‌ها گویای این واقعیت است که کشورهای سوریه، ارمنستان در افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشور نقش بسزایی را بازی می‌کنند و دارای اهمیت خیلی زیاد می‌باشند، همچنین کشورهای عراق و گرجستان در جایگاه اهمیت زیاد، کشورهای ترکیه، آذربایجان و قطر در جایگاه اهمیت متوسط، امارات، کویت، اردن و قبرس در جایگاه کم و کشورهای عربستان، عمان و بحرین در جایگاه خیلی کم قرار دارند. شکل ۳ سطح‌بندی کشورهای جنوب غرب آسیا را در رابطه با مولفه دیپلماسی عمومی را به تصویر می‌کشد.



شکل ۳. سطح‌بندی کشورهای جنوب غرب آسیا را در رابطه با مولفه دیپلماسی عمومی

همچنین نتایج استخراج الگوی فضایی نظام توزیع مولفه دیپلماسی عمومی در کشورهای جنوب غرب آسیا با استفاده از الگوریتم شاخص آماره عمومی موران^۱ گویای این واقعیت است که نظام توزیع فضایی مولفه مذکور از نظام توزیع الگوی خوشه‌ای پیروی نموده و با توجه به عدد ZSCORE که شاخص ۱/۶۹ را نشان می‌دهد، خط‌چین در منطقه خوشه‌ای واقع گردیده است. شاید از دلایل ژئوپلیتیکی توزیع خوشه‌ای مولفه دیپلماسی عمومی را بتوان رفتار سیاسی مشابه کشورهای حوزه خلیج فارس در رابطه با ایران دانست که با تقویت این دیپلماسی عمومی می‌توان کشورهای لبنان، آذربایجان، عراق، ترکیه و قطر را نیز در گروه اهمیت خیلی زیاد قرار داده و با تشکیل خوشه بسیار قوی کشورهای مذکور به نقش‌آفرینی قدرت سیاسی کشور در منطقه همت گمارد. شکل ۴ نتایج آزمون موران را به تصویر می‌کشد.

1 Moran's I



شکل ۴. نتایج آزمون موران در رابطه به مولفه دیپلماسی عمومی

۶. ارائه الگوی پایدار سیاست منطقه‌ای ج.ا.ایران

یک کشور چنانچه انتظار دارد که به‌طور موفقیت‌آمیزی در محیط خارجی به شکلی فزاینده پیش برود بایستی در هدایت فرایند راهبرد خود به منابع و قابلیت‌های درونی خود مراجعه کند. به‌واقع کاوش محیط بیرونی همواره در مقابل پیشینه عوامل داخلی موجود روی می‌دهد. در نتیجه، معیارهای VRIO این منابع و قابلیت‌ها را با دیدگاه جذب عوامل بیرونی در تدوین راهبردهای پویا اولویت‌بندی می‌کند. از این منظر، رویکرد پیشنهادی برنامه‌ریزی راهبردی یک مدل داخلی - خارجی - داخلی واقعی است. در نتیجه، برنامه‌ریزی موفق فرایندی خطی نیست، ولی تکرار شونده است. فرایند انجام چنین الگویی از برنامه‌ریزی راهبردی شامل مراحل زیر است:

۶.۱. مشخص نمودن اهداف

در نخستین مرحله باید منابع و رقبا را ارزیابی نموده و سپس اهداف کلان سیاست منطقه‌ای را برشمرد و در نهایت این اهداف را اولویت‌بندی نمود. اولویت‌بندی در سه سطح اولویت بالا، متوسط و پایین صورت می‌گیرد. (جدول ۲).

جدول ۲. اهداف سیاست منطقه‌ای ج.ا.ایران

سطح اولویت	هدف
بالا	حفظ استقلال کشور و تحکیم و توسعه قدرت ملی
بالا	تأمین امنیت داخلی و منطقه
متوسط	ارتقاء جایگاه اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی

سطح اولویت	هدف
متوسط	ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل
متوسط	الهام‌بخشی، فعالیت و مؤثر بودن در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)
متوسط	تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت
متوسط	گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی
پایین	پرهیز از تشنج در روابط با کشورها
متوسط	تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم
پایین	بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی
پایین	مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی.
متوسط	تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان.
پایین	مقابله با تک‌قطبی شدن جهان.
متوسط	حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف، به‌ویژه ملت فلسطین.
پایین	تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی.
پایین	تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل.
متوسط	بهره‌گیری از روابط سیاسی با کشورها برای نهادهای کردن روابط اقتصادی، افزایش جذب منابع و سرمایه‌گذاری خارجی و فن‌آوری پیشرفته و گسترش بازارهای صادراتی ایران و افزایش سهم ایران از تجارت جهانی و رشد پرشتاب اقتصادی موردنظر
متوسط	تحکیم روابط با جهان اسلام و ارائه تصویر روشن از انقلاب اسلامی و تبیین دستاوردها و تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی و معرفی فرهنگ غنی و هنر و تمدن ایرانی و مردم‌سالاری دینی.
پایین	تلاش برای تبدیل مجموعه کشورهای اسلامی و کشورهای دوست منطقه به یکقطب منطقه‌ای اقتصادی، علمی، فن‌آوری و صنعتی.
پایین	تقویت و تسهیل حضور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مجامع جهانی و سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی و تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج زبان فارسی در میان آنان، حمایت از حقوق آنان، و تسهیل مشارکت آنان در توسعه ملی.

(Authors, 2020)

۲.۶. شناسایی منابع و قابلیت‌ها

در تئوری مبتنی بر قدرت، هر کشور دارای دودسته عوامل ثابت و متغیر جغرافیایی تأثیرگذار بر سیاست می‌باشد که با بهره‌گیری از مجموعه آن‌ها و تدوین گد‌ها و ژنومهای ژئوپلیتیک، می‌تواند قدرت منطقه‌ای خود را ارتقاء، حفظ و تداوم بخشد در این رابطه مهم‌ترین عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به شرح زیر بیان نمود. (جدول ۳).

جدول ۳. منابع و قابلیت‌های ج.ا.ایران

وزن با مدل AHP	عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیک
۱۰	تاریخ و تمدن پارسی
۱۰	دین (اسلام، زرتشت، یهود) و مذهب شیعه
۷	وسعت و تنوع جغرافیای سرزمینی
۵	جمعیت و ترکیب سنی
۳	تنوع جمعیتی (زبان، نژاد، قومیت)
۱۰	موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در منطقه
۸	منابع مهم انرژی
۵	منابع مهم طبیعی، معدنی و غذایی
۶	سطح بالای دانش و فن‌آوری‌های نوین
۸	خودتکایی در توانمندی‌های نظامی
۵	حضور فعال در سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه
۳	قراردادها و توافقات گسترده دو یا چندجانبه
۶	مشارکت بالای مردم در تصمیم‌گیری و انتخابات
۵	اتخاذ سوگیری و سیاست خارجی مستقل و مبتنی بر منافع ملی
۵	استکبارستیزی و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و جبهه مقاومت
۴	نهادهای سیاسی، اداری و اجتماعی
۱۰۰	مجموع

(Authors, 2020)

۳.۶. شناسایی ابعاد رقابتی و کشورهای دارای قدرت ملی بالاتر

در این گام باید به ابعاد رقابتی پرداخت و از آنجایی که در مراحل بعدی نقشه رقابتی ترسیم خواهد شد، لازم است منابع و قابلیت‌ها در ۲ بعد رقابتی دسته‌بندی شوند و با توجه به منابع و قابلیت‌های استخراج‌شده در مرحله قبلی در دو بعد دسته‌بندی گردند. به دلیل اینکه ماهیت کار مبتنی بر رقابت است، در ادامه باید رقابتی که در زمینه قدرت ملی، قوی‌تر به شمار می‌روند شناسایی گردند که در این رابطه کشورهای آذربایجان و ترکیه به‌عنوان شاخص و رقیب اصلی در ناحیه شناسایی گردیده‌اند. جدول شماره (۴) مقایسه کشورهای جنوب غرب آسیا با کشورهای مذکور (ز نظر منابع و قابلیت‌های موجود را نشان می‌دهد.

جدول ۴. شناسایی ابعاد رقابتی و کشورهای دارای قدرت ملی بالاتر

کشور ترکیه	کشور آذربایجان	عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیک
پایین‌تر	پایین‌تر	تاریخ و تمدن پارسی
برابر	برابر	دین (اسلام، زرتشت، یهود) و مذهب شیعه
فراتر	فراتر	وسعت و تنوع جغرافیای سرزمینی
پایین‌تر	پایین‌تر	جمعیت و ترکیب سنی
برابر	برابر	تنوع جمعیتی (زبان، نژاد و قومیت)
فراتر	فراتر	موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در منطقه
فراتر	فراتر	منابع مهم انرژی
فراتر	پایین‌تر	منابع مهم طبیعی، معدنی و غذایی
پایین‌تر	برابر	سطح بالای دانش و فن‌آوری‌های نوین
برابر	فراتر	خوداتکایی در توانمندی‌های نظامی
فراتر	پایین‌تر	حضور فعال در سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه
فراتر	برابر	قراردادها و توافقات گسترده دو یا چندجانبه
پایین‌تر	فراتر	مشارکت بالای مردم در تصمیم‌گیری و انتخابات
برابر	فراتر	اتخاذ سوگیری و سیاست خارجی مستقل و مبتنی بر منافع ملی
فراتر	پایین‌تر	استکبارستیزی و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و جبهه مقاومت
پایین‌تر	برابر	نهادهای سیاسی، اداری و اجتماعی

(Authors, 2020)

۶.۴. ارزیابی عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیک بر اساس تئوری مبتنی بر منابع

این مرحله برای پاسخگویی به چالش "چگونگی تشخیص ایجاد مزیت رقابتی پایدار هر یک از منابع و قابلیت‌ها" از دیدگاه مبتنی بر منابع استفاده می‌شود. بر این اساس منابع و قابلیت‌ها را از نظر نادر بودن، تقلید نشدنی، غیر جایگزین بودن در یک طیف ۵ تایی (خیلی موافقم، موافقم، خشی، مخالفم، خیلی مخالفم) مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار می‌گیرند. جامعه پاسخگو در این مرحله متخصصین بوده‌اند که در این خصوص بیشترین پاسخ و میانگین آن در رتبه‌بندی ۵ طیفی ملاک قرار داده شده است. (جدول ۵).

جدول ۵. اندازه‌گیری عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیک ج.ا.ایران

منابع و قابلیت‌ها	نادر بودن	تقلید نشدنی	غیر جایگزین بودن
تاریخ و تمدن پارسی	خیلی موافقم	خیلی موافقم	موافقم
دین (اسلام، زرتشت، یهود) و مذهب شیعه	خیلی موافقم،	موافقم	موافقم
وسعت و تنوع جغرافیای سرزمینی	خیلی موافقم	موافقم	موافقم
جمعیت و ترکیب سنی	مخالقم	مخالقم،	موافقم
تنوع جمعیتی (زبان، نژاد و قومیت)	موافقم	مخالقم	مخالقم
موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در منطقه	خیلی موافقم	موافقم	مخالقم،
منابع مهم انرژی	مخالقم	موافقم	مخالقم،
منابع مهم طبیعی، معدنی و غذایی	مخالقم	موافقم،	مخالقم
سطح بالای دانش و فن‌آوری‌های نوین	مخالقم	مخالقم	مخالقم
خودتکایی در توانمندیهای نظامی	خیلی موافقم	موافقم	موافقم
حضور فعال در سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه	مخالقم	مخالقم	مخالقم
قراردادها و توافق‌های گسترده دو یا چندجانبه	مخالقم	مخالقم	مخالقم
مشارکت بالای مردم در تصمیم‌گیری و انتخابات	خیلی موافقم	خیلی موافقم	خیلی موافقم
اتخاذ سوگیری و سیاست خارجی مستقل و مبتنی بر منافع ملی	موافقم	موافقم	موافقم
استکبارستیزی و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و جبهه مقاومت	خیلی موافقم،	خیلی موافقم،	خیلی موافقم،
نهادهای سیاسی، اداری و اجتماعی	موافقم	موافقم	موافقم

(Authors, 2020)

۵.۶. شناسایی عوامل پستل

در این مرحله به شناسایی عوامل خارجی شامل عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیکی، بوم‌شناختی و قانونی (PESTEL)^۱ مؤثر بر سیاست منطقه‌ای ایران پرداخته خواهد شد. این تحلیل جهت شناسایی فرصت‌های پیش روی و همچنین خطرات احتمالی گسترش هر مجموعه مؤثر می‌باشد. عموماً این تحلیل جهت ارزیابی محیط در ابعاد کلان و همچنین ارزیابی زمان حال می‌پردازد. چراکه عوامل کلان این توانایی را دارند تا تغییرات اساسی را در محیط و مجموعه ایجاد کنند. در این گام علاوه بر شناسایی عوامل بیرونی، میزان وزن، میزان تأثیرگذاری، احتمال افزایش و درجه اضطراری بودن این عوامل را هم مورد ارزیابی قرار می‌دهد. شایان ذکر است که:

(L: Environmental محیطی (E: Technological تکنولوژیک (T: Social اجتماعی (S: Economic اقتصادی (E: Political سیاسی (P: Legal قانونی)

وزن دهی: اهمیت عوامل خارجی در ۵ گروه اسمی بسیار مهم، مهم، متوسط، کم‌اهمیت و بسیار کم‌اهمیت تعیین می‌گردد.

تأثیرگذاری: اثر این عامل بر موفقیت و افزایش سیاست‌های منطقه‌ای ایران چه مقدار است.
 احتمال افزایش: احتمال افزایش این عامل در دوره برنامه‌ریزی به چه میزان است.
 درجه اضطرار: درجه اضطراری بودن این عامل و یا رفع آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (جدول ۶).

جدول ۶. عوامل محیطی مؤثر خارج از کنترل سیاست منطقه‌ای کشور

درجه اضطرار	احتمال افزایش	تأثیر	وزن	عوامل پستل (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیکی، محیطی و قانونی)
فورا	بالا	خیلی قوی	بسیار مهم	حضور و نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای در منطقه (سیاسی)
زود	بالا	قوی	مهم	امنیتی شدن ج.ا.ایران در منطقه (سیاسی)
	متوسط	قوی	بسیار مهم	تحریم‌های اقتصادی (اقتصادی)
فورا	بالا	قوی	مهم	ساختارهای سیاسی و نامتجانس کشورهای منطقه (سیاسی)
فورا	بالا	قوی	مهم	بی‌ثباتی در سیاست خارجی برخی از کشورهای منطقه (سیاسی)
فورا	بالا	قوی	متوسط	فقدان مدیریت راهبردی در برخی از حوزه‌های سیاست خارجی (سیاسی)
فورا	متوسط	خیلی قوی	بسیار مهم	پیدایش گروه‌های تکفیری در منطقه (اجتماعی)
زود	بالا	قوی	متوسط	ضعف کنشگری در سطح منطقه (اجتماعی)
زود	بالا	قوی	مهم	ضعف دیپلماسی اقتصادی و الگوی متفاوت و مبهم از توسعه (اقتصادی)
زود	بالا	قوی	مهم	تسلط نگاه امنیتی تهدید محور بر سیاست خارجی (سیاسی)
زود	بالا	قوی	بسیار مهم	فرارگیری در محیط امنیتی جنوب غرب آسیا (محیطی)
زود	بالا	قوی	مهم	تبلیغات رسانه‌ای علیه حکومت ج.ا.ایران
زود	بالا	قوی	بسیار مهم	چالش نرخ ارز و نا اطمینانی بر سرمایه‌گذاری (قانونی)
زود	بالا	قوی	متوسط	محدودیت‌های OFAC (تکنولوژیکی)
زود	بالا	قوی	مهم	محدودیت‌های دسترسی به تکنولوژی‌های سبز (EST) (تکنولوژیکی)
زود	بالا	قوی	بسیار مهم	تحریم‌های نظام پولی و بانکی ایران (قانونی)

(Authors, 2020)

۶.۶. ترسیم نقشه راهبردی

در نقشه راهبردی منابع و قابلیت‌ها و عوامل خارجی بر مبنای سه معیار مورد تحلیل قرار می‌گیرند:

- نزدیکی منابع و قابلیت‌ها با عوامل خارجی

- سمت افقی و فوقانی عوامل
- اندازه حباب‌ها

در نقشه راهبردی، منابع و قابلیت‌های داخلی با حباب‌های فیروزه‌ای و عوامل کلان محیطی بارنگ نارنجی نشان داده شده است. آن‌هایی که به سمت راست متمایل هستند، با ارزش، نادر، تقلیدنشده و غیرقابل جایگزین می‌باشند و از تناسب راهبردی برخوردارند. آن دسته از عواملی که به سمت بالا متمایل هستند دارای درجه بالایی از تناسب راهبردی هستند. اندازه حباب‌های عوامل کلان محیطی بیانگر درجه اضطرار آن‌هاست. به طور کلی، برای هر دودسته از حباب‌ها که بیانگر منابع و توانایی‌ها و همچنین عوامل کلان محیطی اند، قرارگیری در موقعیت بالا و سمت راست بیانگر بالاترین میزان امتیاز و نمره است. (جدول ۷ و جدول ۸) و (شکل شماره ۴).

جدول ۷. وزن‌های راهبردی عوامل محیطی (الترناتیوهای راهبردی)

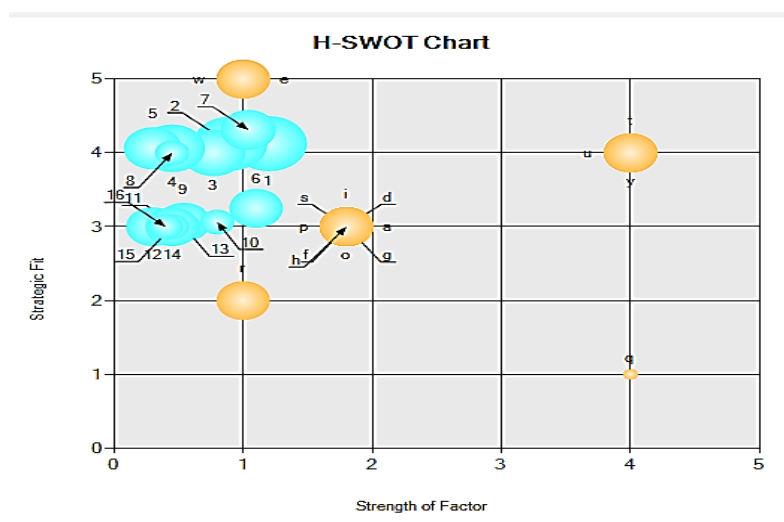
SIZE	Y	X	عوامل پستل (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیکی، محیطی و قانونی)
4	2	3	حضور و نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای در منطقه (سیاسی)
2	1	1	امنیتی شدن ج.ا.ایران در منطقه (سیاسی)
5.4	3	4	تحریم‌های اقتصادی (اقتصادی)
2	1	1	ساختارهای سیاسی و نامتجانس کشورهای منطقه (سیاسی)
2	1	1	بی‌ثباتی در سیاست خارجی برخی از کشورهای منطقه (سیاسی)
2	1	1	فقدان مدیریت راهبردی در برخی از حوزه‌های سیاست خارجی (سیاسی)
4	2	3	پیدایش گروه‌های تکفیری در منطقه (اجتماعی)
2	1	1	ضعف کنشگری در سطح منطقه (اجتماعی)
2	1	1	ضعف دیپلماسی اقتصادی و الگوی متفاوت و مبهم از توسعه (اقتصادی)
2	1	1	تسلط نگاه امنیتی تهدید محور بر سیاست خارجی (سیاسی)
5.2	3.6	3	قرارگیری در محیط امنیتی جنوب غرب آسیا (محیطی)
5	3	3	تبلیغات رسانه‌ای علیه حکومت ج.ا.ایران
			چالش نرخ ارز و نا اطمینانی بر سرمایه‌گذاری (قانونی)
4	3	2	محدودیت‌های OFAC (تکنولوژیکی)
3	2	2	محدودیت‌های دسترسی به تکنولوژی‌های سبز (EST) (تکنولوژیکی)
5.3	3.7	4	تحریم‌های نظام پولی و بانکی ایران (قانونی)

(Authors, 2020)

جدول ۸. وزن‌های راهبردی منابع و قابلیت‌ها (جایگزین‌های راهبردی)

SIZE	Y	X	منابع و قابلیت‌ها
3	2.5	2	تاریخ و تمدن پارسی
3	2.5	2	دین (اسلام، زرتشت، یهود) و مذهب شیعه
5	4	4	وسعت و تنوع جغرافیای سرزمینی
4	3.8	3	جمعیت و ترکیب سنی
4.2	3	2.6	تنوع جمعیتی (زبان، نژاد و قومیت)
5.8	4	4	موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در منطقه
5.2	4.3	4	منابع مهم انرژی
5	4	4	منابع مهم طبیعی، معدنی و غذایی
5	4	4	سطح بالای دانش و فن‌آوری‌های نوین
5.1	4	4	خوداتکایی در توانمندی‌های نظامی
3	2	1.5	حضور فعال در سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه
3	2	1.5	قراردادها و توافقات گسترده دو یا چندجانبه
3	2	1.5	مشارکت بالای مردم در تصمیم‌گیری و انتخابات
3	2.5	2	اتخاذ سوگیری و سیاست خارجی مستقل و مبتنی بر منافع ملی
3	2.5	2	استکبارستیزی و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و جبهه مقاومت
3	2.5	2	نهادهای سیاسی، اداری و اجتماعی

(Authors, 2020)



شکل ۴. الگوی سیاست منطقه‌ای ج.ا.ایران در رابطه با کشورهای منطقه

با توجه شکل شماره ۴، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که منابع و قابلیت‌های ج.ا.ایران، دارای اوزان متفاوتی است به طوری که مولفه‌های موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در منطقه در رتبه اول و منابع مهم انرژی و خوداتکایی در توانمندی‌های نظامی در منطقه در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. این مولفه از بالاترین تناسب راهبردی برخوردار بوده و نسبت به سایر مولفه‌ها با توجه به نظریه مبتنی بر منابع، بارزتر، نادرتر، تقلیدنشده‌تر و غیرقابل جایگزین‌تر می‌باشند و نیازمند توجه ویژه‌ای می‌باشند زیرا از عوامل اصلی قدرت ملی ج.ا.ایران در منطقه بوده و می‌توانند پایداری قدرت را ارتقاء بخشند و به‌عنوان قابلیت‌های راهبردی منطقه قلمداد گردند. این سه فاکتور به دلیل اندازه‌های آن از مهم‌ترین عواملی هستند که با اهداف موردنظر سیاست منطقه‌ای کشور تناسب راهبردی داشته و می‌توانند نیل به اهداف موردنظر را تسریع بخشند. همچنین با توجه به تحقیقات انجام‌شده، تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش و مانع اعمال سیاست‌های منطقه‌ای ج.ا.ایران در منطقه شناسایی گردید و بعدازآن نیز قرارگیری در محیط امنیتی جنوب غرب آسیا و تحریم‌های نظام پولی و بانکی ایران قرار دارد که به‌عنوان بزرگ‌ترین موانع محیطی و اقتصادی و قانونی قلمداد می‌گردند و با توجه به سائز حساب‌ها نیازمند توجه می‌باشند. این ۳ مولفه در صدر توجه قرار داشته و درجه اضطرار آن‌ها بسیار بالاست و باید در کانون توجه مسئولین ذیربط قرار گیرد.

۷. نتیجه‌گیری

شناسایی، برآورد و ارزیابی عناصر قدرت ملی (شامل عناصر ثابت و متغیر ژئوپلیتیک) و تحلیل و تبیین راهبردها و تاکتیک‌های عرصه سیاست خارجی که نیازمند مطالعه تطبیقی کدهای ژئوپلیتیک کشورها بوده و ترکیب این توانمندی‌ها با نیازها و اولویت‌های هر دوره، چراغ راه ترسیم نقشه راه روابط خارجی می‌باشد، نیازمند طراحی الگویی برای نیل به این برآورد قابل‌مقایسه بوده و به نظر می‌رسد که بهترین راه در این مسیر، کمی‌سازی مفاهیمی کیفی است که عوامل مؤثر در ایجاد قدرت ملی یک کشور را تشکیل می‌دهد. با توجه به بررسی‌های به‌عمل‌آمده و بر اساس تحلیل‌های صورت پذیرفته در رابطه با مولفه دیپلماسی عمومی، تمامی ۳۶ گویه و متغیر در پایگاه داده سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) بارگذاری گردید و نتایج گویای این واقعیت است که کشور سوریه در جایگاه رتبه اول و کشور عربستان در رتبه آخر در بین کشورهای حوزه ژئوپلیتیکی کشور به دست آوردند و بر اساس تحلیل‌های صورت پذیرفته نقشه سطح‌بندی گروهی کشورهای جنوب غرب آسیا بر اساس مولفه مذکور بر اساس میانگین‌های وزنی استخراج گردید که تحلیل‌ها گویای این واقعیت است که کشورهای سوریه، ارمنستان در افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشور نقش بسزایی را بازی می‌کنند و دارای اهمیت خیلی زیاد می‌باشند، همچنین کشورهای عراق و گرجستان جایگاه اهمیت زیاد، کشورهای ترکیه، آذربایجان و قطر در جایگاه اهمیت متوسط، امارات، کویت، اردن و قبرس در جایگاه کم و کشورهای عربستان، عمان و بحرین در جایگاه خیلی کم قرار دارند با توجه تحلیل‌های صورت پذیرفته نتایج گویای این واقعیت است که مولفه دیپلماسی عمومی از

الگوی خوشه‌ای پیروی کرده و شاید از دلایل ژئوپلیتیکی توزیع خوشه‌ای مولفه دیپلماسی عمومی را بتوان رفتار سیاسی مشابه کشورهای حوزه خلیج فارس در رابطه با ایران دانست و با تقویت این دیپلماسی عمومی می‌توان کشورهای لبنان، آذربایجان، عراق، ترکیه و قطر را نیز در گروه اهمیت خیلی زیاد قرارداد و با تشکیل خوشه بسیار قوی کشورهای مذکور به نقش آفرینی قدرت سیاسی کشور در منطقه همت گمارد. همچنین با توجه به تحقیقات انجام شده، تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش و مانع اعمال سیاست‌های منطقه‌ای ج.ا.ایران در منطقه شناسایی گردید و بعدازآن نیز قرارگیری در محیط امنیتی جنوب غرب آسیا و تحریم‌های نظام پولی و بانکی ایران قرار دارد که به‌عنوان بزرگ‌ترین موانع محیطی و اقتصادی و قانونی قلمداد می‌گردند و با توجه به ساینز حساب‌ها نیازمند توجه می‌باشند. این ۳ مولفه در صدر توجه قرار داشته و درجه اضطرار آن‌ها بسیار بالاست.

کتابنامه

1. Ahadi, A., (2009). Iran's nuclear program from the perspective of public diplomacy. *Rahbord Quarterly*, 18(51), 249-270. [In Persian]
2. Ashna, H., & Jafari Haft Khwani, N., (2007). Public diplomacy and foreign policy; Links and goals. Two quarterly journals of political knowledge, No. 5, 179-205. [In Persian].
3. Azami, H., (2006). Geopolitical weight and regional power system (case study: Southwest Asia). *Geopolitics Quarterly*, 2(5), 149-193. [In Persian].
4. Bakhtiari, E., (2011). Examining the similarities and differences of public diplomacy with soft concepts. *Psychological Operations Quarterly*, 8(30), 214-236. [In Persian].
5. Bayne, N., & Woolcock, S., (2010). The new economic diplomacy: decision-making and negotiation in international economic relations. Aldershot: Ashgate Publishing LTD.
6. Biki, M., (2010). *The soft power of the Islamic Republic of Iran (a case study of Lebanon)*. Iran, Tehran: Imam Sadiq University and the Secretariat of the Psychological Operations Conference. [In Persian].
7. Fathi, Y., & Pakdaman, R., (2010). The position of Iran's partners in commercial diplomacy. *Foreign relations*, 2(3), 251-201. [In Persian].
8. Hafeznia, M.R., Zarghani, S.H., Ahmadipour, Z., & Eftekhari, A.R., (2005). Designing a Model for Measuring the National Power of Countries. *Geopolitics Quarterly*, 2(4), 46-73. [In Persian].
9. Heydari, Gh.H., & Heydari Bani, Z., (2018). Examining the challenges of national power in Iran. *Geopolitics Quarterly*, 10(1), 60-82. [In Persian].
10. Kadera, M.K., (2018). *Measuring National Power, International Interactions*. England, London: Taylor & Francis.
11. Mousavi Shafae S.M., & Imani H., (2007). Economic diplomacy, an approach to increase Iran's national power. *Rahbord Quarterly*, 26(84), 149-174. [In Persian].
12. Muir, R., (2019). *Modern Political Geography*. London and Hong Kong: Mac Millan Education
13. Nye, J.S., (2019). *The Future of Power*. US, New York: Public Affairs.

14. Pishgahi Fard, Z., Hosseini, S.M., & Farahani, M., (2014). Ranking of the national power of the Middle East countries by using compensatory multi-criteria decision-making. *Police Geography Research Journal*, 2(5), 1-44. [In Persian].
15. Pourahmadi, H., (2010). *Soft Power and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Iran, Qom: Bostan Kitab Publications. [In Persian].
16. Pourhasan, N., (2011). New Public Diplomacy and Comprehensive Defense. *Defense Rahbord Quarterly*, 9(33), 137-158. [In Persian].
17. Rana, K.S., (2007). *Economic diplomacy: the experience of developing countries. The New Economic Diplomacy: Decision-Making and Negotiations in International Economic Relations*. Aldershot: Ashgate.
18. Seyf Zade, S.H., (2007). *Principles of international relations*. Iran, Tehran: Mizan publishing. [In Persian].
19. Skilas, P., Roukanas, S., & Pistikou, V., (2012). China's Economic Diplomacy: A Comparative Approach to Sino-Greek and SinoTurkish relations. *International Journal of Business and Social Science*, 3(10), 288.
20. Taheri Mousavi, M., (2008). *Geography and National Strategy of Iran*. Iran, Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces. [In Persian].
21. Vasegh, M., & Sekke Ravani, D., (2017). The influence of spatial minorities on national power. *Human geography researches*, 3(49), 675-691. [In Persian].